

نقش وزرای مسیحی در حکومت فاطمیان

(۲۹۶ - ۵۶۷ق/۹۱۸ - ۱۱۸۹م)

اردشیر اسدیگی^۱
زهرا هاشمی^۲
محمد باغستانی^۳
طاهره عظیم زاده طهرانی^۴

چکیده

دولت فاطمی در سال ۳۵۸ق، از مغرب به مصر منتقل گردید و تا سال ۵۶۷ق ادامه یافت. در مصر، خلفای فاطمی وزیرانی از اهل کتاب، به ویژه مسیحیان برگزیدند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت مسیحیان در جامعه مصر، سعی بر این است که نقش وزرای مسیحی و علل انتخاب آن‌ها بررسی شود. نتایج این پژوهش، مشخص کرد که برخی از وزرای مسیحی چون عیسی بن نسطورس (۳۸۳ - ۳۸۶ق) و بدر جمالی (۴۶۶ - ۴۸۷ق)، جلوی از دست رفتن متصرفات فاطمیان را گرفتند و بعضی نیز موجب آرامش در حکومت فاطمی گردیدند. البته وزرای مسیحی جدیدالاسلام، در آزار مسیحیان نقش داشتند. این سخت‌گیری، بیشتر معطوف به ملکایی‌ها بوده و گروه‌های دیگر مسیحی، کمتر تحت فشار

^۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسؤل):
jafar.asadbeigi@gmail.com
^۲. دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد مشهد: hashemi8451@gmail.com
^۳. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: m.baghestani@isca.ac.ir
^۴. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد: ta_azim@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۰

بودند.

در انجام پژوهش، از دو دسته منابع زمانی و مکانی استفاده شد. پژوهش تاریخی حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و جهت گردآوری اطلاعات، از شیوه کتابخانه‌ای استفاده گردید. فصول تحقیق، شامل: وزارت تنفیذ و تفویض، مسیحیان مصر، وزیران مسیحی و خلفای دارای وزیر مسیحی می‌باشد.

واژگان کلیدی

مصر، وزرا، مسیحیان، فاطمیان، افضل (۴۸۷ - ۵۱۵ هـ)، بهرام ارمنی (۵۲۹ - ۵۳۱ هـ).

مقدمه

فاطمیان پس از تسلط بر مغرب، در سال ۳۵۸ ق بر مصر استیلا یافتند و معدبن اسماعیل بن ابی القاسم بن عبیدالله المهدی، ملقب به المعز لدین الله (۳۴۱ - ۳۶۵)، پس از تصرف مصر، قاهره را بنا نمود (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۵). به این ترتیب، حکومت اسماعیلیه به مصر منتقل شد. فاطمیان زمانی که در مغرب بودند، وزیر انتخاب نکردند؛ پس از رفتن به مصر، وزارت مطرح گردید.

در مصر، خلفای فاطمی وزیرانی از اهل کتاب، به ویژه مسیحیان برگزیدند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت مسیحیان در جامعه مصر، سعی بر این است که نقش وزرای مسیحی و علل انتخاب آن‌ها بررسی شود. موضوع این پژوهش، می‌تواند به عنوان یک تجربه تاریخی در ساختار سیاسی جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. منابع، به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند: دسته‌ای که به حکومت فاطمیان می‌پردازد و دسته‌ای که به سرزمین مصر می‌پردازد. پژوهش تاریخی حاضر، ابتدا به توصیف فعالیت‌های وزرای مسیحی عصر فاطمی پرداخته و سپس، نقش آن‌ها را مطرح و تحلیل می‌کند. محدوده زمانی پژوهش، عصر فاطمیان است و محدوده مکانی آن، مصر در قرن چهارم می‌باشد.

فاطمیان: سلسله‌ای اسلامی با عقاید اسماعیلی (هفت امامی) که در قرون چهار تا شش هجری به ترتیب بر آفریقای شمالی، مصر و شام حکومت کردند.

وزارت: در دولت فاطمی، به مقام و جایگاه بعد از خلافت، وزارت گفته می‌شود.

مسیحیان مصر: به مسیحیانی که در قرن چهارم در مصر ساکن بودند، گفته می‌شود که

شامل سه دسته: ارمنی، ملکایی و قبطی بودند.

در مورد وزارت در عصر فاطمیان، به فارسی کتابی دیده نشد. مناوی کتاب «الوزارة والوزراء فی العصر فاطمی» را نوشته است که اطلاعات کلی در باره وزارت می‌دهد و به وزیران مسیحی اشاره دارد. مقاله‌ای نیز به نام بهرام ارمنی در دانشنامه جهان اسلام آمده که به یک تن از وزرای مسیحی پرداخته است. فاطمه جان احمدی و لیلا خسروی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحول ساختاری نهاد وزارت در مصر عصر فاطمی»، منتشر شده در پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، به مسیحیان پرداخته‌اند. کتاب‌های فارسی متعددی، از جمله «دولت فاطمیان در مصر» توسط آقای ناصری طاهری و «تاریخ فاطمیان و حمدانیان» توسط آقای چلونگر نوشته شده و مقاله‌های متعددی هم در موضوعات مختلف در ارتباط با فاطمیان به رشته تحریر درآمده است؛ ولی هیچ‌یک به‌طور خاص، به نقش وزرای مسیحی و علل انتخاب آنان نپرداخته‌اند.

وزارت تنفیذ و تفویض

مقام وزارت در دولت فاطمیان، دارای رتبه‌ها و درجه‌هایی بود که بر اساس قدرت وزیر از سطح پایین به بالا شامل: تنفیذ، واسطه و تفویض است. در وزارت تنفیذ، وزرا فقط رأی خلیفه را اجرا می‌کردند و خلیفه فاطمی بر کارهای دولت تسلط داشت. وساطت، یعنی وزیر، فقط میان مردم و خلیفه واسطه بود. در وزارت تفویض، وزیر در کارها استقلال بیشتری یافت و تمام دیوان‌ها به دست وزیر افتاد (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۵ - ۳۴۶). در دوره خلفای اول فاطمی در مصر، تا الحاکم بامرالله (حک ۴۱۱ - ۳۸۶ق)^۱ وزارت تنفیذ غلبه داشت (همان: ۳۴۶). معروف‌ترین وزیر این عصر، یعقوب بن کلس (۳۱۸ - ۳۸۰ق) بود. پس از یعقوب، کار وزارت به سستی گرایید و عنوان این منصب، به وساطت تغییر یافت (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۱: ۲۶۹ و ۲۹۲؛ همو، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۵). با شدت گرفتن بحران‌های سیاسی مصر و نزاع ترکان و مغربی‌ها، بدر جمالی (۴۶۶ - ۴۸۷ق) امیر عکا^۲، به درخواست خلیفه المستنصر بالله (۴۲۷ - ۴۸۷ق) به مصر آمد و وزارت را به

۱. در برخی منابع جدید، سال وفات حاکم بامرالله، ۴۱۲ق آمده است؛ اما در *اتعاظ الحنفاء* ۴۱۱ق ثبت شده است.
 ۲. شهر بزرگی در سواحل شام است و در آن، چشمه‌ای به نام «چشمه بقر» معروف است و مسجدی در آنجاست که به حضرت صالح علیه السلام نسبت دارد (بروسوی، ۱۴۲۷: ۴۷۲).

۲۶. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

عهده گرفت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۵ - ۳۴۹)؛ بنابراین، از دوران مستنصر (۴۲۷ - ۴۸۷ق) اختیارات وزرا تغییر یافت و به وزارت تفویض تبدیل شد. بنا به قول مقریزی (م. ۸۱۴ق)، آغاز عصر تفویض در وزارت فاطمیان، سال ۴۶۷ق، ابتدای وزارت بدر جمالی (۴۶۶ - ۴۸۷ق) است و فرزندش افضل (۴۸۷ - ۵۱۵ق)، نوه‌هایش احمد بن افضل (۵۲۴ - ۵۲۶ق)، ابوالفتح یانس (م. ۵۲۶ق) و بهرام ارمنی (۵۲۹ - ۵۳۱ق)، مسیحیانی هستند که در این عصر به وزارت رسیدند (همان: ۳۴۶) که البته به جز بهرام، سایرین به اسلام گراییدند. شایان ذکر است که مستنصر قبل از بدر جمالی، وزرای مسیحی داشته است که آن‌ها از قدرت تفویض برخوردار نبودند.

وزیران دوره تنفیذ معمولاً از میان کارکنان اداری و غیرنظامی یا از میان نویسندگان انتخاب می‌شدند و آنان را وزیر قلم می‌نامیدند (همان: ۳۴۵)؛ اما در دوره تفویض، وزیران از سرداران ارتش بودند و برخلاف قبل، در کارها استقلال بیشتری یافتند (همان: ۳۴۶). در عصر وزرای تفویض، تمام دیوان‌های مدنی، قضایی و حتی دعوت، به دست وزیر افتاد (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۳۳: ۲۳۷؛ مناوی، ۱۹۷۰: ۴۳)؛ یعنی در واقع، قاضیان و داعیان، نایبان وزیر بودند. وزرای تفویض را وزیران سیف می‌نامیدند؛ زیرا منصب سپاهی داشتند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۸۲). وزرای تفویض به تقلید از بدر جمالی، القابی خاص که مخصوص پادشاهان و خلفا بود، برای خود انتخاب می‌کردند که بر قدرت منصب آنان تأکید داشت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۶). در دوره وزارت تفویض، وزارت مانند خلافت‌گاه به صورت وراثت درآمده بود. بدر، پس از خود وزارت را میراثی برای فرزندش قرار داد. برخی از وزیران دوره تنفیذ، از اهل ذمه بودند؛ اما در دوره تفویض، جز بهرام ارمنی، بقیه وزیران مسلمان یا جدیدالاسلام بودند. در دوره تنفیذ، حاکمیت با خلیفه بود؛ ولی در دوره تفویض، خلیفه اراده‌ای نداشت. در عصر وزارت تفویض، علاوه بر خلعت رسمی، هدایای دیگری نیز به وزیر داده می‌شد (همان: ۳۴۵ - ۳۴۹). در دوره وزارت تفویض، نوع معیشت و زی‌وزیر تغییر یافت و جشن‌هایی که برای وزیر انجام می‌شد یا هدایایی که به وزیر داده می‌شد، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، بسیار تغییر کرد (ماجد، ۱۹۵۵: ۶۰).

مسیحیان مصر و وزیران مسیحی

در مصر، مسیحیان بسیاری زندگی می‌کردند که گاه وزارت به آن‌ها سپرده می‌شد.

مسیحیان مصر، بیشتر قبطی و برخی ملکایی و ارمنی بودند.

قبط از دیار مصر بوده که به نام ساکنان آن نامیده شده است (یاقوت حموی، ۱۹۷۹، ج ۴: ۳۰۶). قبطیان، به مسیحیان مصر که آبا و اجدادشان در مصر بودند و در آنجا نشو و نما کردند، اطلاق می‌شود. آنان از نسل قبطین جام‌بن نوح می‌باشند و از جزیره‌العرب به مصر هجرت کرده‌اند (محقق بحرانی، ج ۶: ۲۱۰). ابن خلدون (م. ۸۰۸ق) می‌گوید: «قبطیان، سه هزار سال پادشاهی کردند و رسوم تمدن در کشور ایشان به مصر رسوخ یافت. آن‌ها رسم داشتند که هرکس فوت می‌کرد، دارایی‌های او را با جنازه‌اش دفن می‌کردند» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، مقدمه، ج ۲: ۷۳۱ و ۷۶۹). مؤلف قاموس المعارف می‌نویسد: «لفظ قبطی در اصل، به معنای مصری بوده و اما اینکه تنها در مورد جماعت مسیحی استعمال شده و بر غیر ایشان اطلاق نشده، به جهت آن است که سکنه مصر، پیش از فتح اسلامی، از جماعت مسیحی بوده و مسیحی‌های مذکور را قبطی، یعنی مصری می‌نامیدند و بعد از فتح مصر توسط مسلمین، مسیحی‌های مذکور به همان اسم اولی، یعنی قبطی باقی ماندند» (مدرس تبریزی، ج ۳: ۳۷۷).

ملکاییه که به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی ملکیت گویند، تحت‌اللفظی به معنای پادشاهیان است. این نام را در قرن پنجم، به مسیحیانی اطلاق می‌کردند که به اعتقادات و تقلیداتی که امپراطورهای بیزانس بدان معتقد بودند، اعتقاد داشتند. شهرستانی می‌گوید: «ملکاییه، به تثلیث اعتقاد دارند و می‌گویند که مسیح، ناسوت کلی است؛ نه جزیی، و قدیم ازلی است و مریم علیها السلام، خدای ازلی به دنیا آورده و قتل و صلیب، بر ناسوت و لاهوت با هم واقع شده و لفظ پدر و نبوت را به خدا و مسیح اطلاق کردند. اسقف‌ها اتفاق کردند بر اعتقاد به خدا، به عنوان تنها پدر، مالک و پدیدآورنده هر چیز، و به تنها پسر او که مسیح می‌باشد و مصنوع خدا نیست و به خاطر رهایی ما از آسمان پایین آمد و از روح القدس جسم گرفت و انسانی شد» (شهرستانی، ج ۱: ۲۲۲ - ۲۲۳). قزوینی می‌نویسد: «ملکاییه، نامی است که اصحاب عقیده یک طبیعت (مونوفیزیت‌ها) در شامات و مصر به اشخاصی می‌دهند که اوامر امپراطورها [ی بیزانس] را اطاعت کرده و احکام اجتماع خلقیدون را در باب دو طبیعت در مقابل یعقوبیه و نسطوربه پذیرفته‌اند. ملکاییه در اصول، به کلیسای شرقی ارتدکس متعلق اند. اسقف‌های ایشان، گوشت نمی‌خورند، کشیشان ایشان می‌توانند ازدواج کنند. ملکاییه یا ملکانیه یا ملکیه یا ملکیه، بر حسب اختلاف تعبیرات مصنفین، همه منسوب است

به ملک که در سریانی و عربی به معنای پادشاه است و ملکاییه، یعنی اتباع پادشاه» (قزوینی، محمد، شماره ۲۴: ۶). ابن حزم (م. ۴۵۶ق) نیز می‌گوید: «ملکاییه، مذهب همه پادشاهان مسیحی است که در حاشیه حبشه و نوبه بودند و نیز مذهب همه مسیحیان افریقیه، صقلیه و اندلس است» (ابن حزم، ج ۱: ۴۸).

ارمنی، به ساکنان ارمنیه که شامل دو قسمت است، گفته می‌شود. ارمنیه کبری، شامل خلاط و نواحی آن، و ارمنیه صغری، شامل تفلیس و نواحی آن است. گفته شده که این سرزمین به دلیل ورود ارمنیان لنتابن اومرین یافتن بن نوح (علیه السلام)، ارمنیه نامیده شده است. او، اولین کسی بود که در آنجا فرود آمد و سکنا گزید (یاقوت حموی، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۵۹ - ۱۶۰). ارمنی‌ها گفته‌اند خدا به خاطر ما پایین آمده تا ما را رهایی بخشد. برخی از آن‌ها گمان می‌کنند که روح القدس داخل جسم مسیح می‌شود و سپس، نشانه‌هایی از قبیل زنده کردن مردگان و غیره از او صادر می‌شود (شهرستانی، ج ۱: ۲۲). اغلب مسیحیان را ارمنی گویند و بعد از آمدن اسلام هم جمعیت کثیری بر دین عیسوی باقی ماندند (شیروانی: ۷۱).

دست کم شش تن از خلفای فاطمی، وزیر مسیحی داشتند؛ در زمان ابی منصور نزار عزیز بالله (حک ۳۶۵ - ۳۸۶ق)، عیسی بن نسطورس (م. ۴۰۳ق) (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۱: ۲۸۳) و در روزگار حاکم بامرالله (حک ۳۸۶ - ۴۱۱ق)، سه تن به نام‌های: منصور بن عبدون (۴۰۰ - ۴۰۱ق)، زرعه بن عیسی بن نسطورس (۴۰۱ - ۴۰۳ق) و صاعد بن عیسی (دو ماه در ۴۰۹ق) وزیر شدند. المستنصر بالله (حک ۴۲۷ - ۴۸۷ق)، ششمین خلیفه فاطمی، از میان مسیحیان به ابوسعید منصور بن ابی‌ایمن بن مکروه بن زنبور (چند روز در ۴۵۸ق) و بدر جمالی (۴۶۶ - ۴۸۷ق) وزارت داد (همان، ج ۲: ۱۸۲ - ۳۳۲). ابوالقاسم احمد المستعلی بالله (حک ۴۸۷ - ۴۹۵ق)، وزارت را به افضل (۴۸۷ - ۵۱۵ق) پسر بدر سپرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۹). وی در زمان ابی‌علی منصور الامر با حکام الله نیز وزارت داشت. پس از او، ابونجاح بن فنا مسیحی (م. ۵۲۳ق) وزیر شد^۱ (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۳: ۱۲۷ - ۱۲۹). ابی‌المیمون الحافظ لدین الله (۵۲۵ - ۵۴۴ق) نیز سه تن به نام‌های: احمد بن افضل (۵۲۴ - ۵۲۶ق)، ابوالفتح یانس (م. ۵۲۶ق) و بهرام ارمنی (۵۲۹ - ۵۳۱ق) را به وزارت گماشت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۱۹۷). همان‌گونه که در جدول مربوط به وزرای مسیحی فاطمی (در اواخر همین مقاله) آمده است، برخی از این افراد، مسلمان شدند. از میان وزرای ذکر شده،

۱. البته مقریزی در کتاب اتعاظ صفحه ۱۴۰، از دوران مباشرت ابونجاح یاد می‌کند و نه وزارت.

عیسی بن نسطورس و دو پسرش صاعد و زرعه، همچنین منصور بن عبدون، قبطی بودند و بدر جمالی، پسرش افضل و نوه‌هایش احمد بن افضل، یانس و بهرام، جزء ارمنیان به شمار می‌آمدند.

وزیر مسیحی عزیز بالله (نخستین وزیر مسیحی)

انتخاب عیسی بن نسطورس (م. ۴۰۳ق) قبطی مسیحی، توسط عزیز بالله در سال‌های آخر حکومت و دوران پختگی وی است؛ زیرا عزیز بالله در سن بیست و یک سالگی به حکومت رسید و در سن چهل سالگی پس از وزارت یعقوب بن کلس و چند تن دیگر (مقریزی، ۱۴۳۷^۱، اتعاض، ج ۱: ۳۳۶ - ۳۳۷)، عیسی را به وزارت تعیین نمود. عزیز بالله به مسیحیان توجه داشت. همسرش مسیحی ملکایی بود و در دهه دوم حکومتش دو برادرزانش، اُرسْتِس (orestes)^۲ را به عنوان بطریق ملکایی بیت المقدس و آرسانیوس (arsanius)^۳ را بطریق قاهره و مصر تعیین کرد. در این زمان، خلیفه نسبت به بطریق قبطی‌ها به نام افرایم (Ephrim)^۴ نیز رفتاری دوستانه داشت و به او اجازه داد کلیسای قدس مرکریوس (mercurius) را در نزدیک فسطاط از نو بسازد (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۶: ۱۰۰۷، پاورقی). مقریزی علت وزارت یافتن عیسی بن نسطورس را نفوذ همسر و برادرزنان‌های مسیحی خلیفه عزیز بالله ذکر کرده است (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاض، ج ۱: ۲۸۳). با توجه به قبطی بودن عیسی و ملکایی بودن خانواده همسر عزیز بالله و اختلافاتی که بین ملکایی‌ها و قبطی‌ها از قدیم وجود داشت، به نظر می‌رسد عامل وزارت عیسی، نفوذ همسر عزیز بالله نبوده؛ بلکه روحیه خود عزیز بالله بوده است که در برابر فرقه‌های مسیحیت و یهود تسامح داشته است یا در مقام حساسیت‌زدایی بوده است.

به احتمال، ویژگی‌های عیسی نیز در انتخاب او نقش داشته است؛ چنان‌که عیسی به «شافی» ملقب گشت؛ به این دلیل که سیرتی ستوده و اخلاقی خوش داشت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۴: ۷۵). در زمان وزارت وی، اقلیت‌ها نه تنها از کلیه حقوق مدنی برخوردار

۲. این مطلب، از کتاب *اتعاض الحنفاء* چاپ ۱۴۳۷ق گرفته شده است. گفتنی است که در سه مورد، از این چاپ استفاده شده است.

۳. مقریزی به تاریخ فوت او اشاره‌ای نکرده است.

۴. مقریزی به تاریخ فوت او اشاره‌ای نکرده است.

۵. افرایم بن ثمر یا المصری، از علما و کبرای اهل کتاب و مصری می‌باشد (تطیلی، ۲۰۰۲: ۳۵۲).

بودند، بلکه به مقامات درجه اول مملکتی و مالی ارتقا یافتند و این جریان، موجب انتقاد مسلمانان و شورش علیه اقلیت‌ها به خصوص مسیحیان شد (ابن تغری، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۱۵). در زمان عزیز بالله، عیسی اجازه داشت به مسیحیان شغل دیوانی دهد و یهودیان را به کار گیرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱: ۳۲۰). عیسی، نماینده‌ای یهودی به نام منشأ بن ابراهیم^۱ به شام فرستاد. یهودیان و مسیحیان به پشت گرمی عیسی بن نسطورس و منشأ، به آزار مسلمانان پرداختند (سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۱۳۰؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۲۲). مصریان آدمکی مقوایی ساختند و سر راه عزیز بالله گذاشتند و در دست آدمک عریضه‌ای بدین مضمون قرار دادند: «تو را به خدایی سوگند که یهود را با منشأ و نصارا را با عیسی بن نسطورس عزیز بالله کرده و مسلمانان را به دست تو ذلیل کرده است. این تیرگی‌ها را برطرف کن.» عزیز بالله، مقصود مصریان را فهمید و هر دو را بازداشت کرد. از عیسی سیصد هزار دینار و از منشأ یهودی اموال زیادی را مصادره کرد (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۱: ۲۹۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۲۱: ۲۳۱؛ ابن تغری، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۱۹ - ۱۲۰). البته عیسی همچنان تا مرگ عزیز بالله، وزارت را در دست داشت.

عیسی بن نسطورس در زمان وزارت خود، مانع واگذاری ولایت حلب از جانب خلیفه فاطمی به بکجور (والی حمص از طرف حمدانیان) شد (مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۴۵ - ۲۴۷). شاید نگران این بوده است که حکومت را به حمدانیان برگرداند.

وزرای مسیحی دوره الحاکم بامرالله

مسلمانان پس از مرگ عزیز بالله در سال ۳۸۶ق، به غارت چند کلیسا و کشتن عده‌ای از مسیحیان پرداختند (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۲: ۸۰۶). شاید به این دلیل، حاکم بامرالله که در حدود یازده سالگی به حکومت رسید، در آغاز حکومت، مجبور شد عیسی را از وزارت برکنار کند؛ ولی سرپرستی دیوان خاص را به او واگذار نمود (همان). دیوان خاص، از دیوان‌های مهم عصر فاطمی بود که در کنار دیوان‌های مجلس و تحقیق قرار داشت و بر هزینه‌های خلیفه و کاخ نظارت می‌کرد. این مقام، به خلیفه و در دوره قدرت وزرا، به وزیران داده می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط: ۱۳۸، پاورقی ۳).

۲. منشأ بن ابراهیم، از علما و کبرای یهودی مصری، و همچنین، وزیر خلیفه فاطمی عزیز بود. در مورد تاریخ فوت او، مطلبی به دست نیامد (تطیلی، ۲۰۰۲: ۳۵۲).

در نتیجه، می‌توان گفت، برخلاف آنچه رایج است که در اوایل روزگار حاکم بامرالله (حک ۳۸۶ - ۴۱۱ق) سخت‌گیری نسبت به مسیحیان زیاد شد و در پی آن عیسی بن نسطورس مسیحی (م. ۴۰۳ق) از وزارت عزل گردید، مقام عیسی در زمان حاکم بامرالله، نه تنها کمتر نگردید، بلکه سمت مهم دیگری یافت.

به علت سن کم حاکم بامرالله، افرادی به جای او امور را در دست داشتند. بربرهای کتامة، از موقعیت استفاده کردند و رئیس آنها، حسن بن عمار، جایگزین عیسی بن نسطورس شد و منصب واسطه، جایگزین وزارت گردید (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۳۸).

مقریزی در خطب نقل می‌کند: «عیسی در دوم ربیع الاول ۴۰۳ق به هلاکت رسید^۱ و حاکم بامرالله پس از مرگ او، مسیحیان را به پوشیدن لباس مشکی و انداختن صلیب چوبی به گردنشان دستور داد» (مقریزی، ۱۴۱۸، خطب، ج ۴: ۷۵). مقصود این است که تا زمان حیات عیسی با اینکه از وزارت معزول شده بود، مسیحیان از آزادی برخوردار بودند و با وفات وی، دچار محدودیت‌هایی شدند. به نظر می‌رسد که اقدامات حاکم بامرالله، ضد ملکایی‌ها بوده است و همان‌گونه که دفتری یادآور شده: «حاکم بامرالله با اقدامات ضد مسیحی خود، عمدتاً علیه ملکایان، آرزو داشته است که نظر قبطیان را که بیشتر مسیحیان مصر را تشکیل می‌دادند، به خود جلب کند» (دفتری، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

مسیحی دیگر مورد توجه حاکم بامرالله، ابوالعلاء فهدبن ابراهیم (م. ۳۹۳ق) است که در سال‌های ۳۹۰ تا ۳۹۳ق همراه حسین بن جوهر رومی^۲ (م. ۴۰۱ق) وزارت داشت (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۸۵؛ ابن قلانسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۸۹و۸۲). وی ابتدا کاتب وزیر، استاد ابوالفتح برجوان العزیزی^۳ بود. برجوان از کاتبان قبطی بهره می‌برد (مقریزی، ۱۴۳۷، اتعاض، ج ۲: ۳۱). مقریزی می‌نویسد: «سال ۳۹۰ق، بعد از قتل برجوان، حاکم بامرالله کاتب او فهدبن ابراهیم را احضار کرد. به او امان داد و گفت که به رسم خودت، در مقام کاتبی بمان.

۱. اما در اتعاض، ج ۲، ص ۸ می‌نویسد: «عیسی، در ۳۸۷ق گردن زده شد. در مورد علت این اختلاف در آثار مقریزی، شاید بتوان گفت که یا دو نفر به نام عیسی بن نسطورس وجود داشته‌اند یا اینکه عیسی وقتی در سال ۳۸۷ق گردن زده شده، موجب مرگ او نشده است که البته بعید به نظر می‌رسد. به هر حال، می‌توان گفت شاید مطلب اتعاض الحنفاء صحیح‌تر باشد؛ چون مقریزی در اتعاض به طور اختصاصی به خلفای فاطمی پرداخته است.

۲. از سال ۳۸۹ق، امور دولتی به حسین بن جوهر واگذار شد. به او لقب «قائد القواد» داده شد. وزرا را همراهی می‌کرد و در سال ۳۹۸ق معزول شد (ابن خلدون، ج ۳: ۸۴ - ۸۵).

۳. برجوان، برده‌ای رومی بود که در دربار عزیز بالله پرورش یافته بود. به این جهت، به او عزیزی می‌گفتند (ابن میسر: ۱۷۴).

جان و مالت در امان است» (ابن قلانسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۹۲) و در جمادی الأولى همین سال، پس از اینکه حسین بن جوهر را مقام وزارت داد، از فهد بن ابراهیم خواست که حسین را در امور پشتیبانی نماید و هنگامی که او حضور ندارد، جانشینش باشد (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۸۵)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که علت وزارت فهد، سابقه فعالیت وی بوده است. در جمادی الآخر سال ۳۹۲ق، فهد گردن زده شد و چون برادر فهد اموال او را به حاکم بامرالله تقدیم کرد، حاکم بامرالله گفت که ما برای مال، او را نکشیم و اموال را به فرزندان فهد برگرداند (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ: ج ۲: ۴۴).

یحیی بن سعید انطاکی (م. ۴۵۸ق) نیز در مورد فهد چیزی فراتر از این نمی‌گوید؛ با این تفاوت که قتل فهد را در سال ۳۹۳ق ذکر می‌کند و قبل از اینکه ماجرای قتل فهد را بیان کند، از حوادث بین فسطاط و قاهره سخن می‌راند که بین جوانان این دو منطقه جنگ سختی درمی‌گیرد و از دو گروه، افراد زیادی کشته می‌شوند (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۴۹-۲۵۲). مسکویه علت قتل فهد بن ابراهیم را سعادت کاتبان (مسکویه، ۱۳۷۹: ج ۷: ۲۷۷) می‌داند؛ ولی مؤلف کتاب «رحله مصر والسودان»، علت قتل او را توجه حاکم بامرالله به مسیحیت و سپس، سرزنش مردم و در نتیجه، عصبانیت حاکم بامرالله و صدور قتل فهد بن ابراهیم می‌داند (مهری کرکوک، ۱۳۳۲: ۱۰۱).

تا شعبان سال ۳۹۸ق، حسین بن جوهر و سپس از این زمان تا صفر ۴۰۰ق، صالح بن علی اسماعیلی مذهب، وزیر بودند. حسین بن جوهر، عنوان وزیر نداشت؛ بلکه همراه و کمک‌کار حسین بن علی بود. مذهب او نیز اسماعیلی بود (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۳: ۴۰). هفتمین وزیر حاکم بامرالله و دومین وزیر مسیحی او، منصور بن عبدون (م. ۴۰۱ق) بود. وی از صفر ۴۰۰ تا محرم ۴۰۱ق به مدت یک سال وزارت داشت. وی قبل از وزارت، دبیر حاکم بامرالله و ناظر دیوان‌های مصر بود (همان: ۴۲). برخی او را مسیحی ذکر کرده‌اند؛ اما برخی از اسلام آوردن او و ویرانی کلیسای مقدس به دستور او سخن گفته‌اند (همدانی، ۱۳۸۷: ۵۶). البته به‌طور دقیق مشخص نیست که این کار به فرمان او بوده است؛ زیرا ابن عبری (م. ۸۵ع) ویرانی کلیسا را دستور حاکم بامرالله می‌داند (ابن العبری: ۲۵۲). در زمان وزارت منصور، سخت‌گیری‌هایی بر مسیحیان اعمال شد. در ۴۰۰ق، از برگزاری عید غطاس^۱ و آیین‌های ویژه آن در ساحل نیل جلوگیری شد (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۸۱-۲۸۲).

۱. عید غطاس، از عیدهای مسیحیان قبطی در مصر است. قبطیان عقیده دارند که یحیی بن زکریا (علیهما السلام) در

مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۲: ۸۶). منصور بن عبدون بعد از اینکه مسلمان شد، به «کافی» ملقب گشت (همدانی، ۱۳۸۷: ۵۶) که حاکی از توانمندی اوست. منصور به دستور حاکم بامرالله دیوانی به نام «دیوان المفرد» تأسیس کرد و اموال مصادره شده را در آن قرار داد. این عمل، دستکم در کوتاه مدت، باعث آرام کردن دشمنان خلیفه و پرشدن خزانه دولت می شد. ابن عبدون در محرم ۴۰۱ ق، از وزارت انصراف داد. در هم بین سال، به حساب اموالش رسیدگی شد، به قتل رسید و اموالش مصادره گردید (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۲: ۸۱). زرعه بن عیسی بن نسطورس، سومین وزیر مسیحی حاکم بامرالله است. دوره وزارت وی، محرم ۴۰۱ تا صفر ۴۰۳ ق است (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۸۵)؛ یعنی پس از منصور بن عبدون، یک اسماعیلی به نام احمد بن محمد به مدت چند روز (از چهارم تا چهاردهم محرم ۴۰۱ ق) وزارت یافت. سپس، زرعه بن عیسی مسیحی وزیر شد. اگر سخن مقریزی در خطط را بپذیریم که مرگ عیسی بن نسطورس را در سال ۴۰۳ می داند، در این زمان هنوز پدر زرعه زنده بوده است (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۴: ۱۴۲).

چهارمین وزیر مسیحی حاکم بامرالله، فرزند دیگر عیسی به نام صاعد است. صاعد از شوال تا ذی الحجه ۴۰۹ ق به مدت ۱/۵ تا ۲ ماه وزیر بود (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۸۰). علت وزارت این دو را نیز می توان توانمندی و شاید نفوذ پدرشان دانست. صاعد در زمان وزارت خود، دستور داد که مسیحیان عمامه و طلیسان مشکی بپوشند، صلیب چوبی در گردن بیاویزند و احدی از آنها حق سوار شدن بر اسب را ندارد؛ بلکه باید بر مرکب چوبی سوار شوند (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۲: ۹۳ - ۹۴). امور بر مسیحیان سخت شد. از این رو، تظاهر به اسلام نمودند و در نتیجه، کار به نابودی کنیسه ها کشید و برخی تبدیل به مسجد شد و در آنها اذان می گفتند (همان). منابع از مسلمان شدن صاعد سخن نگفته اند؛ اینکه چرا با وجود مسیحی بودن، ضد هم کیشان خود فرمان صادر کرد، گویا این فرمان، ضد ملکایی ها بوده است که هم کیش رومی ها و کلیسای قسطنطنیه بودند (شهرستانی، ج ۱: ۲۲۲ - ۲۲۳).

به نظر می رسد، اینکه حاکم بامرالله عیسی بن نسطورس قبطی و دو فرزندش را وزارت

یازدهم ماه طوبه (کانون دوم)، حضرت مسیح (علیه السلام) را در بحیره اردن غسل تعمید داد و هنگامی که مسیح از آب خارج شد، روح القدس به او اتصال یافت. به همین دلیل، مسیحیان در این روز، فرزندانشان را در آب غوطه ور می کنند تا تطهیر شده، شفا یابند (ماجد، ۱۹۵۵: ۱۳۴).

داد، پیروی از سیاست جلب توجه و رضایت قبطیان در برابر ملکایان بوده است. جنگ‌های حاکم بامرالله با بیزانس (معزی، ۱۳۹۰: ۲۳۳ - ۲۳۵)، از عوامل تضعیف ملکایان و تقویت قبطیان است؛ به این ترتیب که او ملکایان را که هم‌کیش بیزانس بودند و امکان جاسوسی برای بیزانس را داشتند، کنار زد و حمایت خود را از قبطیان که ضد روم و ملکایان بودند، افزایش داد.

وزرای مسیحی دوران مستنصر، مستعلی و امر

مستنصر بالله (۴۲۷ - ۴۸۷) در سن هفت‌سالگی، سال ۴۲۷ق به خلافت رسید. وی در سال ۴۵۸ق، یعنی بعد از سی‌ویک سال خلافت، مدت کوتاهی وزارت را به ابوسعید منصور بن ابی‌ایمن سویرس بن مکرواه بن زنبور که مسیحی بود، سپرد (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۵۹). ابوسعید مسلمان گردید و مسیحیان از اسلام او کراهت داشتند (همان)؛ ولی از فعالیت او در مدت کوتاه وزارتش، اطلاعاتی موجود نیست (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۷). به احتمال، مسلمان شدن این وزیر و پایان دادن به اختلافات داخلی، می‌تواند توجیهی برای وزارتش باشد.

وزیر دیگر مستنصر که مسیحی بوده و مسلمان گردیده، بدر جمالی (۴۶۶ - ۴۸۷ق) است که برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی، با سپاهیانش به مصر آمد (مقریزی، ۱۴۳۷، اتعاض، ج ۲: ۴۰۶ - ۴۰۸). او در اصل برده‌ای ارمنی و حاجب امیر دمشق بود (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۲: ۴۵). امیر دمشق چون او را مردی کاردان یافت، امور بیرون از دربار خود را نیز به او سپرد. پس از مرگ امیر دمشق تا انتصاب امیر جدید، امور شهر را اداره کرد؛ آن‌گاه به مصر بازگشت و همچنان به رتق و فتق امور می‌پرداخت تا به امارت عکّا رسید. در این مقام، لیاقت و کاردانی بسیاری از خود نشان داد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۸۲؛ حاجی‌خلیفه، ۱۳۷۶: ۳۳۷). در سال ۴۶۵ق، وقتی ترک‌ها بر المستنصر بالله چیره شدند و فساد در همه‌جا شایع گردید، مستنصر از بدر جمالی خواست که برای مقابله با سرداران مصر، سپاهی ترتیب دهد. بدر از عکّا با ده کشتی و سپاهی بزرگ از جنگجویان ارمنی به مصر آمد. خلیفه نیز او را بر همه امور ولایت داد و او را سیدالاجل امیرالجیوش لقب داد (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۵۷ - ۵۸؛ مهری کرکوک، ۱۳۳۲: ۱۰۲). بدر، حکومت دمشق و مناصب قضای القضاة و داعی‌الدعای را خواستار شد. خلیفه همه این شروط را پذیرفت و بدر در سال ۴۶۶ق به

وزارت منصوب گردید (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۰) و مسئولیت‌های سه‌گانه امیری لشکر، رهبری گروه مبلغان و وزارت را به عهده گرفت (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ، ج ۲: ۳۳۴؛ تاریخ کمبریج، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۰ و ۲۵۹). ابن صیرفی (م. ۵۴۲ق) می‌نویسد که او ارباب مناصب دیوانی و دینی بود (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۵۷ - ۵۸)؛ بنابراین، علت وزارت یافتن او، لیاقت و توانمندی بود که در برابر سرداران ترک و مغربی نشان داد. وی، اولین وزیر نظامی فاطمیان بود و پس از او، وزارت تفویضی شد. با گزینش بدر، گروه دیگر مسیحیان، یعنی ارامنه به وزارت دست یافتند. بعد از بدر، پسرش و سپس نوه‌هایش بر سرکار آمدند (تاریخ کمبریج، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۰ و ۲۵۹). بدر هرچه سرداران و امرا در روزهای آشوب و فتنه از اموال مستنصر برده بودند، بازپس گرفت؛ دمیاط^۱ و أسوان^۲ را گرفت و کنزالدوله محمد (م. ۵۷۰)^۳ را که بر آن غلبه یافته بود، کشت و اموالش را تصرف کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۱). در سال ۴۸۴ق، بدر جمالی منیرالدوله را که از مسیحیان بود، به امارت صور برگزید؛ اما کمی بعد، منیرالدوله علیه مستنصر بالله عصیان کرد؛ بدر سپاهی بر سر او فرستاد. منیرالدوله و یارانش را دستگیر کرده، به مصر برد و به قتل رساند (همان).

مرتب کردن دیوان‌ها، مقرر کردن امور جنگ، فتح صعید مصر (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۵۷ - ۵۸)، گردآوری منظم مالیات‌ها، امنیت تجارت (واکر، ۱۳۸۳: ۹۰)، بازپس‌گیری اموال کارگزاران حکومت و سرداران، نجات دمیاط، جلوگیری از فتح مصر، افزایش متصرفات از جمله صور^۴ و جبیل^۵، اردوکشی جدید به شام و حجاز و هند، رفاه اقتصادی و افزایش درآمد، نیکی کردن به رعایا (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۸۲) و سرانجام اقدامات عمرانی^۶ و مذهبی، از کارهای مهم بدر جمالی به شمار می‌آیند (ابن خلکان، ج ۲: ۴۵۰). از نقش فرهنگی او نباید غافل شد؛ وی نویسنده کتاب مشهور «المجالس المستنصریة» است (سیف

۱. شهری قدیمی بین تنیس و مصر با آب‌وهوایی خوش، و جزء مرزهای اسلام بوده است (قزوینی، زکریا، ۱۹۹۸).
 ۲. یکی از نواحی مرزی مصر قدیم است (قزوینی، زکریا، ۱۹۹۸: ۲۶۳). دهکده‌ای آباد و مشرف به نیل است (کریمی: ۲۰۱).
 ۳. والی أسوان و از شیعیان علوی مصر بود و در سال ۵۷۰ به قتل رسید (ابن خلدون، ج ۳: ۹۱).
 ۱. سرزمین مشهوری از عواصم است که جمعیت زیادی از علما و راویان حدیث به آنجا نسبت دارند و بسیاری از پیشوایان مسلمانان در آنجا ساکن‌اند (حازمی: ۱۴۹).
 ۲. نام شهری در کرانه دمشق و در هشت فرسنگی شمال بیروت و از فتوحات یزید بن ابوسفیان است. فرنگی‌ها آن را متصرف شدند تا اینکه صلاح‌الدین ایوبی آن را در سال ۵۸۳ق فتح کرد. این شهر، اکنون در دست فرنگی‌هاست (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۰۹).
 ۳. ساخت کتیبه‌ها، عمارت‌ها، ساخت و تعمیر مساجد، ایجاد بارو و حصار، از اقدامات عمرانی بدر است (واکر، ۱۳۸۳: ۱۲۸ - ۱۲۹).

آزاد، ۱۳۶۸: ۶۷). نقش ریاستی وی بر نهادهای قضایی و عقیدتی، محل بحث است. می‌توان این‌گونه اظهار نظر نمود که سپردن ریاست نهاد مهم دعوت به وی (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۰)، نشان از اسلام آوردن او دارد؛ هرچند که ابن خلدون اشاره می‌کند که وی به مذهب امامیه سخت پایبند بوده است (همان) و سپاهیان او را آرامنه تشکیل می‌دادند (همان). به این ترتیب، علاوه بر قبلیان، آرامنه نیز مورد توجه خلیفه فاطمی قرار گرفتند. بدر جمالی پیش از مرگش در سال ۴۸۷ق، ترتیبی داد تا پسرش افضل جانشین او شود (مستنصر بالله، ۱۹۵۴م، سند ۱۵: ۶۴-۶۵).

المستنصر بالله برخلاف میل باطنی خود، به ناچار مجبور شد که برای جلوگیری از برخی اختلافات بر سر منصب وزارت، فرزند بدر جمالی، افضل (۴۸۷-۵۱۵ق) را به جای او برگزیند (ابن صیرفی، ۱۹۲۴: ۵۴)؛ بنابراین، علت دستیابی افضل به وزارت، جلوگیری از اختلافات و همچنین سفارش پدرش بود. افضل در به خلافت رسیدن مستعلی بالله شش ساله (۴۸۷-۴۹۵ق) به جای نزار، نقش اساسی داشت (همان: ۵۵-۵۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۵؛ واکر، ۱۳۸۳: ۹۳)؛ اما از او سلب اراده و حاکمیت کرده بود (صنهاجی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). طبق گفته ابن اثیر (م. ۶۳۰ق)، افضل، ارمنی مسلمان شده، متهم به همکاری با صلیبیان علیه سلجوقیان است. به فرنگی‌ها پیشنهاد داد که متصرفات سلجوقیان را با هم تقسیم کنند؛ اما صلیبی‌ها با وجود پذیرش پیش نهاد، به تعهدهای خود عمل نکردند (ابن اثیر، ۱۴۰۸: ج ۶: ۳۷۷).

نویسنده مقاله «نقش شیعیان فاطمی در جنگ‌های صلیبی» معتقد است که مطالب فوق‌الذکر، توسط تاریخ‌نگاران اهل سنت و مورخان صلیبی نظیر ریموند آگیل (Rimound Agil)^۱ و ویلیام صوری (Viliam Soury)^۲ به کتب تاریخ افزوده شده است (ناصری طاهری، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

رنه گروسه (Rene Grose) (م. ۱۹۵۲م) می‌گوید: «این اقدام، خیانتی به اسلام بود؛ اما در آن زمان، مقام وزارت توسط یک ارمنی مسلمان شده اشغال شده بود.» وی می‌افزاید: «این وزیر، سفیری نزد فرنگی‌ها فرستاد و پیشنهاد کرد برای تقسیم متصرفات ترک‌ها در سوریه و فلسطین، پیمانی منعقد شود» (گروسه، ۱۳۷۱: ۳۴)؛ اما در تاریخ کمبریج اشاره

۴. مؤلف کتاب تاریخ الفرنجة غزاة بیت المقدس.

۵. مؤلف کتاب تاریخ الحروب الصلیبية.

شده که صلیبی‌ها این پیشنهاد را مطرح کردند (تاریخ کمبریج، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۸ و ۲۶۷). به هر حال، صلیبی‌ها سفیران دربار مصر را پذیرفتند؛ اما خویشان را پایبند میثاقی معین نساختند. افضل از آشفته‌بازار درگیری بین صلیبی‌ها و سلجوقیان سود جست و بیت المقدس را در سال ۴۹۱ق از چنگ حاکم سلجوقی در آورد (مقریزی، خطط، ج ۲: ۱۹۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۵؛ آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۶۰۵). پس از چندی، بیت المقدس توسط صلیبی‌ها محاصره شد. والی فاطمی شهر، سیاست دفاعی خود را تقویت کرد. در مقابل این تهاجم، در شعبان ۴۹۲ق، افضل با سپاهی بزرگ از مصر بیرون آمد تا محاصره بیت المقدس را بشکند. وی پیکی نزد صلیبی‌ها فرستاد و آن‌ها را بر آنچه انجام داده بودند، توبیخ کرد؛ ولی آن‌ها به سپاه افضل تاختند و جمعی از لشکرش را کشتند (ابن میسر: ۶۶-۶۷). پس از چندین روز محاصره و درگیری، بیت المقدس در ۲۲ شعبان ۴۹۲ق سقوط کرد (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۱۹۶؛ تاریخ کمبریج، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۸ و ۲۶۷؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۵). افضل پس از آن، سپاهسانی به نام «ترابی» و «افضلیه» برای مقابله با صلیبی‌ها تشکیل داد (ابن خلکان، ج ۳: ۴۱۵-۴۱۶) که نتیجه‌ای نگرفت.

مستعلی، در سال ۴۹۵ق درگذشت. افضل، پسر او ابوعلی منصور را که بیش از پنج سال نداشت، بر تخت سلطنت نشاند و به او «أمر بأحكام الله» (۵۲۵-۴۹۵ق) لقب داد (ابن عبری، ۱۳۷۷: ۲۷۵؛ حتی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۷۹۲). افضل به عنوان حاکم مطلق، سپاهی دیگر به فرماندهی پسرش به فلسطین فرستاد و دو نیروی فاطمی و صلیبی در برابر هم صف کشیدند و فرنگی‌ها شکست خوردند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳: ۹۶). سقوط بندر عکا در سال ۴۹۷ق، فضل را وادار کرد تا یکی دیگر از حمله‌های گسترده خود علیه صلیبی‌ها را سازمان دهد (زکار، ۲۰۰۷، ج ۱: ۲۴۵-۲۴۶). نقش فعال افضل در جنگ‌های صلیبی و حمایت از قلمرو فاطمیان، شایان ذکر است.

از نقش فرهنگی افضل، گزارش‌های به ظاهر متناقضی دیده می‌شود. از یک سو، باعث بسته شدن دارالعلم شد^۱ و از طرف دیگر، بیست هزار جلد کتاب یک نویسنده مصری را خرید و به کتابخانه عمومی اهدا کرد و از انتقال آن به عراق جلوگیری نمود (سیف آزاد،

۲. البته منابع می‌گویند که به دلیل خرابی‌هایی بود که بر آن وارد شده بود. یا واکر می‌گوید که علت بسته شدن دارالعلم، جلوگیری از تجمع گروهی از بدعت‌گذاران غیراسماعیلی و عوام‌گرایان برای تدریس و تعلیم در آنجا بود (واکر، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

۱۳۶۸: ۱۰۲ و ۲۹). افضل، به تنهایی نیم میلیون کتاب داشت. او هوادار شعر و شاعری بود و برای ساختن رصدنامه نجومی، بسیار کوشش کرد (واکر، ۱۳۸۳: ۱۳۷، ۱۸۷ و ۲۳۴). وقتی امر بزرگ شد، به علت دخالت‌ها و قدرت افضل در سال ۱۵۱۵ ه‍.ق، دستور قتل افضل را داد و اموالش را مصادره کرد که یکی از موارد، ۶۰۰۰ کیسه طلای خالص بود (سنهاجی، ۱۳۷۸: ۱۰۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۰۰). سپس، امر، ابونجاح بن فنا (م. ۵۲۳ ه‍.ق) راهب نصرانی را به ریاست دیوان‌ها برگزید. وی قبل از ریاست دیوان، با اثبات توانایی خود در دربار امر توانسته بود سرپرستی امور ایتم را به عهده گیرد و با مصادره بی‌اساس اموال مردم، ثروت فراوانی اندوخته بود. او به فساد گرایید و به دستور امر، آن قدر او را زدند که مرد (مقریزی، ۱۴۱۶، انعاظ، ج ۳: ۱۱۷، ۱۱۹ و ۱۲۶). شاید علت انتخاب ابونجاح، توانمندی وی بوده است. امر در سال‌های ۵۱۹ ه‍.ق تا آخر عمر، یعنی ۵۲۵ ه‍.ق، بدون وزیر به سر برد.

وزرای مسیحی آخرین خلفای فاطمی

بعد از امر، ابی‌المیمون با لقب «الحافظ لدین الله» به خلافت برگزیده شد. نخستین وزیر حافظ، ابوعلی احمد بن افضل (۵۲۴ - ۵۲۶ ه‍.ق) بود (بطائحی: ۱۰۵) که در ایام وزارت پدرش، در جنگ‌های صلیبی نقش داشت. فشار نظامیان بر خلیفه، علت انتخاب وی به وزارت بود و خلیفه به اجبار و اکراه او را برگزید (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۹). سپس، حافظ، وزیر ارمنی به نام ابوالفتح یانس ارمنی (م. ۵۲۶ ه‍.ق) را برگزید. وی غلام ارمنی بود که به افضل بخشیده شده بود. او در خدمت افضل ترقی کرد (بطائحی: ۱۰۵ و ۳۷). سمت «والی‌الباب» گرفت که بزرگ‌ترین رتبه امیران بود. کنیه «ابوالفتح» و لقب «امیر سعید» گرفت (مقریزی، ۱۴۲۲، خطط: ج ۳: ۴۹). قدرت یانس، از قوه نظامی او ناشی می‌شد. یانس در رأس گروه‌های کتامی سپاه فاطمی، علیه احمد بن افضل به پا خاست و او را به قتل رساند (همان، ج ۲: ۳۵۰؛ واکر، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

حافظ بالله به پاس خدمات یانس، او را به مقام وزارت منصوب کرد و لقب «ناظر الجیوش سیف الاسلام» به وی داد (ابن تغری بردی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۴۰؛ واکر، ۱۳۸۳: ۱۰۲). یانس، مردی با اراده‌ای قوی، پُرهیبت و دوراندیش بود. او خودکامگی را آغاز کرد؛ چنان‌که الحافظ از او بیمناک شد و آخر ذی‌الحجه سال ۵۲۶ ه‍.ق به قتلش فرمان داد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۰۲). مدت وزارت یانس، فقط ۹ ماه بود (مقریزی، ۱۴۲۲، خطط،

ج ۴: ۲۹۲). یانس مسجدی ساخت و نام آن را «الفتح» گذاشت؛ زیرا فتح روم، از آن نقطه شروع شد و این مسجد شهرت یافت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۴: ۳۳۴).
حافظ بالله در سال ۵۲۹ق، قصد داشت بدون وزیر، زمام امور را خودش به عهده گیرد؛ اما رقابت میان فرزندان او برای رسیدن به مقام ولایت عهدی و وزارت، موجب شد که وی با اکراه و برای خاموش کردن فتنه، بهرام ارمنی مذهب را که والی فاطمی بود، به وزارت برگزیند (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۴۸). بهرام ارمنی (۵۲۹ - ۵۳۱ق)، قدرتمندترین وزیر تفویضی مسیحی بود و علت برگزیده شدن وی به وزارت، این بود که در خاموش کردن شورش‌های که رخ داد، خوش درخشید و حافظ بالله برخلاف میل باطنی خود، او را «سیف‌الاسلام» لقب داد. افراد بسیاری به دلیل مسیحی بودنش، با وزارت او مخالف بودند (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ: ج ۳: ۱۵۵ - ۱۵۶). بهرام، احترام و اطاعت خلیفه را برگرداند. اموال فراوانی را برای ارتش هزینه کرد و امور را به‌خوبی تدبیر نموده، فتنه‌ها را خاموش کرد (همان: ۲۶۲).

وزارت بهرام ارمنی و سیاست‌های او در جانب‌داری از ارمنیان و تشویق هم‌کیشان مسیحی خود برای مهاجرت به مصر، موجب شد تا مردم مصر از حضور گسترده ارمنی‌ها احساس نگرانی کنند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ترجمه، ج ۳: ۱۰۳). بهرام، بسیاری از مسلمانان را از مناصبشان عزل نموده، مناصب مهم و ریاست دیوان‌های کلیدی فاطمیان را به هم‌کیشان خود سپرد و دیرهای متعددی ساخت (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۴۸). این مسائل از یک سو موجب جریحه‌دار شدن احساسات مردم مصر، و در نتیجه، افزایش بدبینی آن‌ها به دولت فاطمی و مذهب اسماعیلی گردید و از سوی دیگر، زمینه را برای اقدامات تلافی-جویانه اهل تسنن علیه امرای فاطمی و حامیان ارمنی - مسیحی آن‌ها فراهم کرد (همان؛ مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاظ: ج ۳: ۱۵۹).

الباساک، برادر بهرام، والی قُوص (QUS)^۱ بود. ستم او بر مردم و مصادره اموال آن‌ها، خشم مسلمانان را برانگیخت. نارضایتی عمومی از این اوضاع، به قیام رضوان بن الولّخشی^۲ (م. ۵۴۳ق) والی سنی مذهب ایالت الغربیه منجر شد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ترجمه، ج ۳:

۱. شهر بزرگ، پُروست و دارای هوای گرمسیری است که تا فسطاط، دوازده روز فاصله دارد و مردم آن، ثروتمندند و مرکز بازرگانانی است که از عدن به مصر می‌روند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۴۱۳).
۲. یکی از والیان قاهره بود که در سال ۵۳۰ وزیر شد و لقب «ملک» گرفت (مقریزی، ۱۴۱۸، خطط، ج ۲: ۳۴۶).

۱۰۳؛ واکر، ۱۳۸۳: ۱۰۳). رضوان با حمایت سپاهیان مسلمان فاطمی، بهرام را از قدرت برکنار کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۴۸؛ مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاض: ج ۳: ۱۵۹). بهرام فرار کرد و در یک صومعه مسکن گزید. رضوان وزیر شد؛ ولی اعمال او موجب خشم خلیفه، و در نتیجه، برکناری و زندانی شدن او گردید. الحافظ، بهرام را به قاهره طلبید و وزارت را بدون آنکه به وی عنوان وزارت دهد، به او واگذاشت^۱ (مقریزی، ۱۴۱۶، اتعاض: ج ۳: ۱۷۱). بنا به رأی مقریزی، رضوان بن ولخشی قصد داشت با تأسیس دیوان جهاد، مرزها را مستحکم و مردم را برای جنگ با صلیبی‌ها آماده کند؛ اما خلیفه فاطمی الحافظ، با مشورت بهرام ارمنی، مانع انجام این امر و باعث شورش ارتش علیه رضوان شد (همان: ۱۶۳-۱۶۴).

وزارت وزرای مسیحی، با وزارت عیسی بن نسطورس در سال ۳۸۳ق شروع شد و با پایان وزارت بهرام، در ۵۳۱ق به پایان رسید.

وزیران مسیحی فاطمی

خلیفه فاطمی	وزیر مسیحی	مدت وزارت	نقش وزیر	علت انتخاب	وضعیت مذهبی
عزیز بالله (۳۶۵ - ۳۸۶ق)	عیسی بن- نسطورس	یک سال و هشت ماه (رمضان ۳۸۳ تا شوال ۳۸۶ق)	سپردن مشاغل دیوانی به مسیحیان، به کارگیری یهودیان، جولوگیری از واگذاری ولایت‌ها به والیان، آشوب میان مسلمانان و مسیحیان	پیوند با همسر خلیفه، تسامح عزیز بالله و توانمندی عیسی	بر مسیحیت باقی ماند؛ مسیحی قبضی.
حاکم بامرالله (۳۸۶ - ۴۱۱ق)	۱. فهدین- ابراهیم	سه سال (۳۹۰ تا ۳۹۳ق)	باریگر وزیر بود.	سابقه فعالیت که کاتبی بود	مسیحی باقی ماند.
	۲. منصور بن- عبدون	یک سال (صفر ۴۰۰ تا محرم ۴۰۱ق)	دستور ویرانی کلیسای قیامت، تأسیس دیوان المفرد	توانمندی و سابقه فعالیت وزیر	به اسلام گرایید.

۳. برخی از منابع جدید، وزارت بهرام را تا سال ۵۳۵ می‌دانند که به احتمال، منظورشان همان چند سالی است که بهرام بدون عنوان وزیر، فعالیت‌های وزارتی داشت.

بر مسیحیت باقی ماند؛ قبطی.	توانمندی و سابقه فعالیت و شاید نفوذ پدر	فساد در دولت	دو سال (محرم ۴۰۱ تا صفر ۴۰۳ق)	۳. زرعه بن - عیسی بن - نسطورس	
بر مسیحیت باقی ماند؛ قبطی.	توانمندی و سابقه فعالیت و شاید نفوذ پدر	سخت گیری بر مسیحیان و در نتیجه، تظاهر آن ها به اسلام، نابودی کنایس و رونق مساجد	دو ماه (شوال ۴۰۹ تا ذی الحجه ۴۰۹ق)	۴. صاعد بن - عیسی بن - نسطورس	
مسیحی؛ که مسلمان شد.	به احتمال، پایان دادن به اختلافات داخلی، تمایل وزیر و مسلمان شدن او			۱. ابوسعید منصور بن ابی - ایمن سویرس - بن مکرواه بن - زنبور	
ارمنی بود که به مذهب امامی گروید.	توانمندی و سابقه فعالیت وزیر، درخواست مستنصر مینی بر پایان دادن به اختلافات	۱. بازپس گرفتن اموال خلیفه فاطمی از سرداران و عمال؛ ۲. جلوگیری از تسلط سلجوقیان بر مصر؛ ۳. سعی در تصرف دمشق؛ ۴. تصرف صور و جبیل و گماشتن عامل فاطمی؛ ۵. اردو کشی به سوریه، عربستان و هند؛ ۶. رفاه اقتصادی؛ ۷. اجرای شعائر مذهب اسماعیلیه.	۲۱ سال (جمادی الاولی ۴۶۶ تا ربیع - الثانی ۴۸۷ق)	۲. بدر جمالی	مستنصر (۴۲۷ - ۴۸۷ق)
مسلمان شد.	به صلاحدید خلیفه برای جلوگیری از اختلاف، و همچنین سفارش بدر	۱. عزل و نصب خلیفه به طور مستبدانه؛ ۲. متهم به پیشنهاد همکاری با صلیبی - ها؛ ۳. گرفتن بیت - المقدس از چنگ سلجوقیان؛ ۴. تلاش جهت	هشت سال (ربیع الثانی ۴۸۷ تا ۴۹۵ق)	افضل	مستعلی (۴۸۷ - ۴۹۵ق)

		جلوگیری از سقوط بیت المقدس؛ ۵. حمله‌های گسترده علیه صلیبی‌ها.			
	اقتدار افضل و پیوند سببی با خلیفه		۲۰ سال (۴۹۵ - ۵۱۵ق)	۱. افضل	آمر (۴۹۵ - ۵۲۵ق)
بر مسیحیت باقی ماند	توانمندی و سابقه فعالیت	مصادره بی‌اساس اموال مردم	مدت کوتاه	۲. ابونجاح بن- فناء	
به مذهب امامی گروید	فشار نظامیان بر خلیفه	۱. بازپس‌گیری اموال وزارت؛ ۲. منع خلیفه فاطمی از هرگونه تصرف.	دو سال (۵۲۴ - ۵۲۶ق)	۱. احمد بن- افضل	
ارمنی بود، مسلمان اسماعیلی شد (ناصری: ۱۴۹)	به پاس خدمت به خلیفه	۱. قتل وزیر فاطمی؛ ۲. ساخت مسجد الفتح.	۹ ماه (محرم تا ذی‌الحجه ۵۲۶ق)	۲. یانس	
ارمنی بود و بر مسیحیت باقی ماند	توانمندی و سابقه فعالیت وزیر و خاموش کردن فتنه رقابت	۱. جانبداری از ارمنی‌ها و تشویق آن‌ها به مهاجرت به مصر؛ ۲. عزل مسلمانان از مناصب مهم؛ ۳. سپردن مناصب و ریاست دیوان‌ها به مسیحیان؛ ۴. ساخت دیرهای متعدد؛ ۵. گمراه کردن خلیفه فاطمی در مشورت دادن.	دو سال (جمادی‌الثانی ۵۲۹ تا جمادی‌الأول ۵۳۱ق)	۳. بهرام	حافظ (۵۲۵ - ۵۴۴ق)

نتیجه

عده‌ای از خلفای فاطمی، در دوران خلافت خود از وزیران مسیحی استفاده کردند؛ چند تن از وزیران، مسلمان شده و تنی چند بر کیش سابق خود باقی ماندند. فاطمیان در هر دو دوره وزارت «تفویض» و «تفویض»، مسیحیان را به منصب وزارت گماشتند.

این وزیران، از مسیحیان قبطی و ارمنی بودند. مهم‌ترین عامل مشترک استفاده از وزیران مسیحی، توانمندی شخصی آن‌ها بود و مذهب مسیحیت به‌عنوان عامل رجحان و اصلی انتخاب وزیران مسیحی به وزارت نبود؛ بلکه استعدادهای شخصی فرد و گاه خانوادگی مد نظر بود.

از مهم‌ترین نقش وزرای مسیحی فاطمی، می‌توان به حفظ حدود و ثغور فاطمیان و گسترش مرزهای آن اشاره کرد؛ چنان‌که عیسی‌بن‌نسطورس و بدر جمالی، در گسترش خلافت فاطمی کوشیدند. انتخاب وزیر مسیحی، موجب ثبات حکومت نیز گردید. استفاده از مسیحیان قبطی، همچون: عیسی‌بن‌نسطورس و دو پسرش و همین‌طور منصوربن‌عب‌دون قبطی، موجب دفاع از قبطیان - که بیشتر مسیحیان مصر را تشکیل می‌دادند - در برابر ملکایی‌ها بود و به خلفای فاطمی قدرت می‌داد که در برابر بیزانس که ضد قبطیان و طرف‌دار ملکایی‌ها بودند، ایستادگی کنند و از طرفی، قبطیان را آرام نگاه دارند.

مستنصر، از ارمنیان که در شام بودند، استفاده کرد و بدر جمالی و سپاهش، از این گروه شمرده می‌شدند. بدر، در مقابله با ترکان و مغربیان، نقش اساسی داشت. پس از این، ارمنیان مورد توجه قرار گرفتند و دو تن، یانس و بهرام ارمنی، به وزارت رسیدند.

نکته قابل توجه اینکه بیشتر این وزیران مسیحی، تعصبی نسبت به کیش خود نداشته، حتی به سرکوب آن‌ها پرداختند؛ چنان‌که در باره عیسی‌بن‌نسطورس و فرزندانش صادق است. بدین‌وسیله، خلیفه، به‌ویژه حاکم، از آن‌ها سود جست، می‌توانست توجیهی برای سرکوبی مسیحیان داشته باشد. این وزیران، از قدرت خود برای تبلیغ مسیحیت استفاده نکردند؛ اما گاه شاید به دلیل آشنایی و اعتماد برخی نظیر بهرام ارمنی، مشاغلی را به مسیحیان واگذار کردند.

منابع

- أصف خان قزوینی، قاضی احمد تقوی (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۸ق)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: علی شبیری، بیروت: دار احیاء تراث.
- ابن تغری بردی، یوسف (۱۴۱۳ق)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن حزم (بی تا)، *الفصل فی الملل و الاھوا و النحل*، چاپ مصر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ ابن خلدون*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، *وفیات الأعیان*، تحقیق: احسان عباس، لبنان: دار الثقافة.
- ابن صیرفی، ابی القاسم علی بن منجب (۱۹۲۴)، *الاشارة الی من نال الوزارة*، تحقیق: عبدالله مخلص، قاهره: مرکز علمی فرانسوی آثار شرقی.
- ابن عبری، ابو الفرج (۱۳۷۷)، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ابن قلانسی، حمزة بن اسد (۱۴۰۳ق)، *تاریخ دمشق*، دمشق: دار احسان.
- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البداية و النھایة*، بیروت: دار الفکر.
- ابن میسر، تاج الدین محمد بن علی (بی تا)، *المنتقى من اخبار المصّر*، تنقیه: احمد بن علی مقریزی (م. ۸۱۴ق)، تحقیق: ایمن فؤاد سید، قاهره: مرکز علمی فرانسوی برای آثار شرقی.
- انطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰م)، *تاریخ الانطاکی*، مصحح: عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس: جروس برس.
- بروسوی، محمد بن علی (۱۴۲۷ق)، *اوضح المسالك الی معرفة البلدان و الممالک*، تحقیق: مهدی عبدالرواضیة، بیروت: دار الغرب اسلامی.
- بطائحي، ابن مأمون (بی تا)، *نصوص من اخبار مصر*، تحقیق: ایمن فؤاد سید، قاهره:

- مرکز علمی فرانسوی برای آثار شرقی.
- تاریخ اسلام کمبریج (۱۳۸۷)، ویراستار: پیتر مالکوم، ترجمه: تیمور قادری، تهران: مهتاب - آیفام، جلد اول و دوم، چاپ اول.
- تطیلی، بنیامین بن یونه (۲۰۰۲م)، *رحله بنیامین التطیلی*، تعریب: عزراء حداد، تحقیق: عبدالرحمن عبدالله، ابوظبی: مجمع الثقافی.
- چلونگر، محمد علی (۱۳۹۰)، *تاریخ فاطمیان و حمدانیان*، تهران: سمت، چاپ اول.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلیپی (۱۳۷۶)، *ترجمه تقویم تاریخ*، تهران: احیاء کتاب، چاپ اول.
- حازمی، محمد بن موسی (بی تا)، *الأماكن*، بی جا: چاپ اول.
- حتی، فیلیپ (۱۳۴۴)، *تاریخ عرب*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتابفروشی حقیقت، جلد اول و دوم، چاپ اول.
- یاقوت حموی، یاقوت (۱۹۷۹)، *معجم البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزاد روز، چاپ پنجم.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، *الاعلام*، بیروت: دار العلم، چاپ هشتم.
- زکار، سهیل (۲۰۰۷م)، *تاریخ دمشق*، دمشق: التکوین، چاپ اول.
- سیف آزاد، عبدالرحمن (۱۳۶۸)، *تاریخ خلفای فاطمی*، دنیای کتاب، چاپ دوم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۸)، *حسن المحاضرة فی اخبار المصر والقاهرة*، تحقیق: منصور خلیل عمران، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شهرستانی (بی تا)، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت: دار المعرفة.
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر (بی تا)، *بستان السیاحة*، تهران: سنایی، چاپ اول.
- صنهاجی، ابی عبدالله محمد (۱۳۷۸)، *اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم (تاریخ فاطمیان)*، ترجمه: حجت‌الله جودکی، تهران: امیر کبیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸م)، *آثار البلاد و اخبار العلماء*، بیروت: دار صادر، چاپ اول.

۲۸۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- قزوینی، محمد (۱۳۸۵)، «یعقوبی، نسطوری و ملکایی»، به کوشش ایرج افشار، علوم اجتماعی (فرهنگ ایران زمین)، شماره ۲۴.
- کریمی، محمدبن احمد (بی تا)، احسن التقاسیم، بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
- گروسه، رنه (۱۳۷۷)، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه: ولی‌الله شاذان، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۵۵)، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، قاهره: کتابخانه انجیلی مصری.
- محقق بحرانی (بی تا)، الحدائق الناظرة، بی جا.
- مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی (بی تا)، قاموس المعارف، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- مستنصر بالله (۱۹۵۴ م)، السجلات مستنصریة، تحقیق: عبدالمنعم ماجد، دار الفکر عربی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹)، تجارب الأمم، تحقیق: ابو القاسم امامی، تهران: سروش، چاپ دوم.
- معزی، مریم (۱۳۹۰)، تاریخ حمدانیان و فاطمیان، تهران: سمت.
- مقریزی، احمدبن علی (۱۴۱۶ ق)، انعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین، تحقیق: محمدحلمی محمداحمد، قاهره (از چاپ ۱۴۳۷ ق نیز در سه مورد استفاده شده است).
- (۱۴۱۸ ق)، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دار الکتب علمیه (از چاپ ۱۴۲۲ ق نیز در دو مورد استفاده شده است).
- مناوی، محمدحمیدی (۱۹۷۰ م)، الوزارة والوزراء فی العصر فاطمی، مصر: دار المعارف.
- مهری کرکوی، محمد (۱۳۳۲ ق)، رحلة مصر والسودان، مصر (فجاله): مطبعة الهلال، چاپ اول.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۰)، «نقش شیعیان فاطمی در جنگ‌های صلیبی»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۵.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۷)، جامع التواریخ، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- واکر، پل ای (۱۳۸۳)، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، چاپ اول.